

تأثیر جنگ جهانی دوم بر مناسبات صنعتی و تجاری ایران و آلمان

هادی دل آشوب^۱

خدیجه سلطانی لرگانی^۲

چکیده

از سال‌ها پیش از وقوع جنگ جهانی دوم، بخش اعظم صنایع ایران آلمانی بود و پس از جنگ، محاصره دریایی آلمان، پیامدهای ناگواری بر صنایع و روند صنعتی‌سازی ایران نهاد و آثار آن، در اشکال گوناگون در عرصه اقتصاد ایران نمایان شد. در مقاله حاضر، تأثیر جنگ جهانی دوم بر صنعت و اقتصاد ایران، با تکیه بر اسناد و منابع و مآخذ گوناگون بررسی می‌شود.

• واژگان کلیدی:

ایران، آلمان، مناسبات صنعتی و تجاری، جنگ جهانی دوم

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۵/۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۷/۲۸

Email: hadidlashob@gmail.com

^۱ فارغ التحصیل کارشناسی ارشد تاریخ از دانشگاه خوارزمی

E.mail: v.soltani@yahoo.com

^۲ فارغ التحصیل کارشناسی ارشد تاریخ از دانشگاه خوارزمی

مقدمه

آلمان پس از جنگ جهانی اول، در صدد بهبود وضعیت اقتصادی کشور برآمد، اما از نظر مواد اولیه در شرایط نامناسبی قرار داشت و برای رفع نیاز با کشورهای دیگر از جمله، ایران قراردادهایی منعقد کرد. در ایران، علی‌رغم کوشش‌های بسیار برای ایجاد صنایع مصرفی در سال‌های ۱۳۱۶-۱۳۱۰ش. هنوز ورود کالاهای مصرفی، همچون دوره پیش از اجرای سیاست صنعتی سازی، رقم قابل توجهی از واردات کشور بود. بر این اساس، ادامه روند ایجاد صنایع مصرفی منطقی به نظر می‌رسید، اما برخلاف چنین انتظاری، توجه دولت از سال ۱۳۱۶ش. به تدریج بر صنعتی سازی با استراتژی توسعه صادرات معطوف شد. جنگ جهانی دوم، در دو مرحله، زمینه‌های صنعتی سازی را در ایران فراهم آورد: مرحله اول، از آغاز جنگ جهانی تا اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ش. و مرحله دوم، پس از اشغال متفقین. در پژوهش حاضر کوشش شده است با بهره‌مندی از منابع و مآخذ و با تکیه بر اسناد و مدارک، این دوره‌ها بررسی شود.

پیشینه پژوهش

در همه پژوهش‌ها در باره تاریخ روابط ایران و آلمان، محققان به طور کلی بیشتر بر مسائل سیاسی تأکید کرده‌اند و گاهی نیز، به حضور متخصصان آلمانی در ایران پرداخته‌اند و بررسی خاص روابط اقتصادی دو کشور کمتر صورت گرفته است. مقاله حاضر، کوششی است برای تأکید بر اهمیت این موضوع در تاریخ معاصر ایران و آلمان.

وضعیت صنعت ایران در سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۱۰ش.

علی‌رغم کوشش برای ایجاد صنایع مصرفی، در سال‌های ۱۳۱۶-۱۳۱۰ش. ورود کالاهای مصرفی همچون دوره پیش از اجرای سیاست صنعتی سازی، رقم قابل توجهی از واردات ایران

بود. بنابراین، ادامه روند ایجاد صنایع مصرفی منطقی به نظر می‌رسید، اما برخلاف چنین انتظاری، توجه دولت از سال ۱۳۱۶ش. به تدریج بر صنعتی سازی با استراتژی توسعه صادرات معطوف شد.

در سال ۱۳۱۵ش. دولت هشتمین و آخرین کارخانه قند را در میاندوآب تأسیس کرد و پس از آن علی‌رغم میزان چشمگیر واردات قند و شکر، برای احداث کارخانه قند کوششی صورت نگرفت. در زمینه صنایع نساجی نیز، فعالیت دولت تنها به اقدام برای احداث کارخانه چیت سازی در تهران، به سال ۱۳۱۷ش. محدود ماند، اما تأسیس این کارخانه هم به سبب بروز جنگ جهانی دوم ناتمام رها شد (محبوبی اردکانی، ۲۵۷۳: ۱۴۹). با توجه به چنین شرایطی، جای طرح این پرسش هست که چرا دولت راه جدیدی در پیش گرفت؟ به نظر می‌رسد که پاسخ را باید در دو محور جست و جو کرد: ۱. بهبود شرایط مبادلاتی اولیه در بازار جهانی، که نشانه آن در ایران، از طریق مطالبات آلمان نمایان بود؛ ۲. تمایل دولت به کسب بالاترین میزان درآمد از آسان‌ترین و کم‌هزینه‌ترین روش‌ها. در نتیجه این دو عامل، به تدریج استراتژی صنعتی توسعه صادرات، جایگزین استراتژی هزینه‌بر جایگزین واردات می‌شد. در این شرایط دولت می‌توانست همانند سال‌های پیش از اجرای سیاست صنعتی سازی، با فروش مواد اولیه، این بار با به کارگیری صنایعی که این مواد را با کمیت و کیفیت بهتری روانه بازار می‌کردند، درآمد بیشتری به دست آورد و از سوی دیگر، با رونق واردات کالاهای ساخته شده، از طریق دریافت عواید گمرکی نیز کسب درآمد کند. چنین سیاستی را می‌توان با مقایسه عواید گمرکی حاصل از قند و چای در سال‌های ۱۳۱۵-۱۳۱۴ش. دریافت: در سال ۱۳۱۴ش. دولت از واردات ۴۹۶۷ تن چای و ۴۷۹۹۶ تن قند، ۱۳۰۲۴۱۸۳۵ ریال عواید گمرکی به دست آورد (مجله اطاق تجارت، ۱۳۱۷: ۸). حال آنکه در سال ۱۳۱۵ش. با افزایش میزان واردات چای به میزان ۹۸۰۷ تن و قند به میزان ۶۷۱۸۷ تن (همان، ۱۳۱۶: ۷-۸)، عواید گمرکی از قند و چای به رقم ۱۳۹۳۱۷۳۳۷ ریال افزایش یافت (همان، ۱۳۱۷: ۸). بدین ترتیب، افزایش صادرات با به

کارگیری صنایع در خدمت توسعه صادرات، در کنار افزایش واردات می‌توانست مستقیم و غیرمستقیم به افزایش درآمد دولت منجر شود. نکته‌ای که ضمن مقاله‌ای در روزنامه اطلاعات بر آن تأکید شده است: «تولید پشم، ابریشم، چغندر قند و کنف از جمله محصولات هستند که خوراک صنایع جدید کشور را فراهم می‌آوردند، به استثنای چغندر قند که مورد نیاز کارخانه‌های قند سازی کشور می‌باشد، سایر محصولات فلاحی مزبور را هر اندازه بیشتر بشود تولید کرد عامل توسعه تجارت خارجی کشور و سبب افزایش صادرات خواهد بود... به همان اندازه که بتوانیم بیشتر و بهتر محصولات را که مورد نیاز بازارهای تجارت دنیاست تولید کنیم، به همان اندازه در توسعه صادرات و بزرگ کردن حجم تجارت خارجی و دادوستد خود با بازارهای خارجی توفیق خواهیم یافت. احتیاج به این استدلال نداریم که هر اندازه در زندگانی پیشرفت و ترقی نماییم، نیازمندی‌های زندگی متری ما بیشتر می‌شود و چون کمتر کشوری زندگانی خود را تأمین می‌کند، پس به ناچار بایست آنچه را خود نمی‌توانیم تدارک کنیم از خارج وارد کنیم و از این راه بسط و توسعه تجارت حاصل گردد و باید آن اندازه تولید کنیم که تأمین احتیاجات وارداتی ما را بکند و از آنجا که بزرگترین چشمه تولید ثروت کشور فعلاً محصولات فلاحی می‌باشد، بنابراین حتماً باید تکان شدیدی به فلاحت کشور داده شود» (روزنامه اطلاعات، ۱۳۱۶: ۱). برای تحقق این هدف، دولت می‌بایست صنایعی تأسیس می‌کرد که تهیه کننده مواد اولیه بودند. بررسی مجموعه اقدامات دولت در این زمینه چندان ممکن نیست، بدین سبب که آمار دقیقی اینک از صنایع، از سال ۱۳۱۶ش. به بعد در دست نیست، افزون بر اینکه، این دوره کوتاه بود و عمر آن با آغاز جنگ جهانی دوم و قطع ارتباط ایران با آلمان، مهم‌ترین کشور صادر کننده ماشین‌آلات صنعتی، به سر رسید. با این حال از قراردادهای منعقد شده، تمایلات دو کشور و همچنین اکثر صنایع تأسیسی این دوره، می‌توان دست کم تمایل به تغییر استراتژی صنعتی را در سیاست دولت ایران دریافت.

از سال ۱۳۱۶ش. به بعد، تنها دو کارخانه پنبه پاک کنی و برنج پاک کنی، که پنبه و برنج برای صادرات آماده می‌کردند، احداث شد. شمار کارخانه‌های پنبه پاک کنی در آمار دکتر اسکوفیلد انگلیسی، پس از بازید از کارخانه‌های ایران در سال ۱۳۱۵ش. هیجده واحد (آرشیو سازمان اسناد ملی ایران، سند ۲۴۰۰۰۱۴۳۶، ۲۰۱ آب آ: ۷۴) و در آمار روزنامه اطلاعات، بیست و یک واحد بود (اطلاعات، ش. ۲۸۵۵: ۱). از سوی دیگر، ویلم فلور شمار احداث کارخانه‌های پنبه پاک کنی را تا سال ۱۳۱۹ش./۱۹۴۰م. هفتاد و شش واحد برآورد کرده است (فلور، ۱۳۷۱: ۴۶) و بنا بر آمار ابراهیم رازقی، شمار آنها تا سال ۱۳۱۸ش. به هفتاد و هفت کارخانه می‌رسید. همین وضعیت در باره کارخانه‌های برنج پاک کنی نیز صادق بود: شمار کارخانه‌های برنج پاک کنی تا سال ۱۳۱۰ش. هفده واحد بود (رازقی، ۱۳۷۱: ۱۷) و این رقم در سال ۱۳۱۸ش. به پنجاه واحد رسید (همان: ۱۸).

آمارهای فوق در باره کارخانه‌های برنج پاک کنی و پنبه پاک کنی در سال‌های پایانی حکومت رضا شاه، نشان از افزایش احداث این دو کارخانه دارد. این نظر را مقاله‌ای در روزنامه اطلاعات در سال ۱۳۱۶ش. تأیید می‌کند که در آن بر لزوم تأسیس این کارخانه‌ها، به ویژه تأسیس کارخانه برنج پاک کنی برای بهبود کمی و کیفی صادرات این محصول تأکید شده است: «یکی از ترقیات برجسته عصر حاضر دخالت ماشین و صنایع جدید در تهیه و تدارک محصولات فلاحی صادراتی می‌باشد. از جمله آنها کارخانه‌های پنبه پاک کنی و برنج پاک کنی است. برنج یکی از محصولات صادراتی است که اگر خوب تهیه و تدارک شود در بازارهای تجاری خارجه خریدار دارد. تدارک برنج به وسیله ماشین‌های برنج پاک کنی از اقداماتی است که در سال‌های اخیر انجام شده است و به طوری که اطلاع یافتیم نصب کارخانه‌های برنج پاک کنی محمود آباد، نکا و گرگان از طرف وزارت مالیه انجام یافته ... و نیز به قرار حاصله دو کارخانه برنج پاک کنی دیگر که یکی از آنها در بندر پهلوی و دیگری در لنگرود تأسیس می‌گردد، ماشین آلات آنها وارد و در حال نصب بوده و به زودی به اتمام خواهد رسید.» (اطلاعات، ش. ۳۳۴۶: ۱)

این گزارش، حاکی از اهمیت یافتن احداث کارخانه‌هایی به منظور آماده سازی پنبه و برنج برای صادرات است و نشانه آشکاری است از تمایل دولت و وزارت مالیه، برای احداث صنایع با هدف توسعه صادرات. حتی شخص شاه نیز، از طریق اداره حسابداری شاهنشاهی در شهرهای گرگان، مازندران و تنکابن، چند کارخانه برنج پاک کنی و پنبه پاک کنی در املاک اختصاصی خود احداث کرد (آرشیو سازمان اسناد ملی ایران، سند ۳۷۹۶۹-۲۴۰۰۳، ۴۰۳ آ ب آ: ۱). البته در احداث این کارخانه‌ها تنها دولت پیشقدم نبود، شرکت‌های سهامی، به ویژه شرکت‌هایی که در کار صادرات مواد اولیه بودند نیز، به منظور افزایش کیفیت مواد خود، به تأسیس این گونه کارخانه‌ها روی آوردند. به عنوان نمونه، شرکت سهامی برنج در مرداد ۱۳۱۵ دو دستگاه کارخانه برنج پاک کنی از آلمان خرید. همچنین، شرکت سهامی پنبه، پشم و پوست نیز با خرید ماشین آلات از آلمان، یک کارخانه پنبه پاک کنی در تهران تأسیس کرد. (همان، سند ۱۱۱۹-۲۴۰۰۱، ۶۱۰ط ۱۵ آ آ: ۱-۲). در کنار توسعه صادرات مواد اولیه کشاورزی، به صنایع استخراجی هم برای صدور محصولات معدنی توجه شد. در این دوره، اگرچه دولت با استخدام کارشناسان خارجی، از جمله برای تولید ذغال سنگ معادن زیرآب اقداماتی انجام داد، اما هدف از آن، رفع نیازهای داخلی، مانند نیاز صنایع راه آهن به سوخت بود. با این همه، در قراردادی که وزارت مالیه با شرکت فروشتال برای استخراج معادن در ۴ تیر ۱۳۱۵ ش. ۲۵/ ژوئیه ۱۹۳۵ م. منعقد کرد، قصد داشت محصولات معدنی را به خارج از کشور صادر کند. بنا بر ماده ۵ این قرارداد، شرکت فروشتال برای دریافت بهای ماشین‌آلاتی که به منظور استخراج معادن به ایران می‌فروخت، ۳۰٪ مواد معدنی استخراج شده در هر سال را تا پرداخت کل بهای ماشین‌آلات، آزادانه صادر می‌کرد. علاوه بر این، در ماده ۶ مقرر شده بود که پس از پرداخت بهای ماشین‌آلات، شرکت فروشتال حق داشته باشد به مدت ۲۵ سال و به قیمت بورس بین‌المللی مواد اولیه، محصولات تصفیه شده معادن را آزادانه خریداری و صادر کند (همان، سند ۲۴۰۰۱۲-۳، ۷۱۲ع ۱۳ آ آ: ۳). شرکت فروشتال برای اکتشاف و استخراج معادن در نقاط

مختلف کشور، با آوردن ماشین آلات مورد نیاز، از جمله در انارک، سمنان و تهران، مواد معدنی چون آهن، مس، نیکل، انتیمون، روی، سرب، زغال سنگ و منگنز استخراج کرد (لطیفی‌نیا، ۱۳۷۶: ۹۷-۹۴). به این ترتیب، در نتیجه گسترش روابط اقتصادی ایران و آلمان، شرایطی پدید آمد که از اولویت صنعتی‌سازی در سیاست‌های اقتصادی کاسته شد و توسعه کشاورزی و دامی و معدنی نیز همراه با صنعتی‌سازی مورد توجه قرار گرفت. این تغییر و تحول، که برای کسب درآمد بیشتر بود، استراتژی صنعتی دولت را دچار تغییر و تحول کرد و در پی آن، صنایع تولید و آماده‌سازی مواد اولیه، بیشتر از صنایع تولید کننده مواد مصرفی مورد توجه قرار گرفت. میزان دقیق این تغییر و تحولات، را بدین سبب که آمار دقیقی از صنایع ایران پیش از سال ۱۳۱۶ ش. در دست نیست، نمی‌توان تعیین کرد، اما برخی اسناد، از جمله فهرست سفارش‌های وزارت پیشه و هنر و وزارت دارایی از آلمان تا پیش از جنگ جهانی دوم، می‌تواند میزانی از تغییر و تحولات را آشکار کند.

نخست‌وزیر ایران در ۸ مهر ۱۳۱۸ در بخشنامه‌ای، از وزارتخانه‌ها خواست فهرست خریدهای خارجی خود را اعلام کنند تا دولت پیگیر ورود آنها به ایران در شرایط متأثر از جنگ باشد (آرشیو سازمان اسناد ملی ایران، سند ۲۴۰۰۱۴۷۱۸، ک ۱۳: ۱: ۳). در پاسخ، وزارتخانه‌ها فهرست سفارش‌های خود را به شرح جدول زیر ارسال کردند: (همان: ۵۴-۲۱)

نام وزارتخانه	کالای خریداری شده	تاریخ سفارش	میزان سفارش
وزارت پیشه و هنر	کارخانه چیت سازی	۱۳۱۸/۲/۲۶	۴۱۶۹۱۲۴ مارک
وزارت پیشه و هنر	وسایل نقلیه کارخانه ذوب آهن	۱۳۱۸/۴/۴	۲۲۸۳۵۷ مارک
وزارت پیشه و هنر	سیم نقاله معادن شمشک و لار	۱۳۱۸/۵/۱۰	۲۴۵۸۹۵۰ مارک
وزارت پیشه و هنر	لوکوموتیو شرکت برن	۱۳۱۸/۵/۳۱	۱۰۱۴۰۰ مارک
وزارت پیشه و هنر	لوازم یدکی برای کارخانه برنج	۱۳۱۷/۱/۱۰	۱۴۸۴۰ مارک
وزارت پیشه و هنر	ماشین آلات کشاورزی خوزستان	۱۳۱۸/۶/۳	۱۱۲۱۲۰ مارک
وزارت پیشه و هنر	کارخانه‌های برنج شاهی و رودسر	۱۳۱۸/۶/۱۴	۳۹۵۸۰۰ مارک
وزارت پیشه و هنر	لوازم برای معادن انارک	---	۴۴۱۷۳۱ مارک
وزارت پیشه و هنر	کارخانه کربنات دوسود محرق	---	۶۰۰۰ مارک
وزارت پیشه و هنر	ماشین آلات جهت معدن انارک	---	۵۳۳۰۰۰ مارک
وزارت پیشه و هنر	صد و بیست تراکتور	---	۹۵۸۹۰۰۰ مارک
وزارت دارائی	ماشین آلات چاه آرتزین	---	۶۰۰۰۰۰ مارک
وزارت دارائی	ماشین تصفیه روغن	۱۳۱۸/۱/۱۱	۱۱۳۵ مارک
وزارت دارائی	کوره ذوب و لوازم یدکی	۱۳۱۷/۱۲/۲۷	۲۷۷۵ مارک
وزارت دارائی	کارخانه کنسروسازی	---	۳۶۴۰۳ مارک
وزارت دارائی	پنبه پاک کنی ساری	---	۱۷۶۸۹ مارک
وزارت دارائی	لوکوموتیو کارخانه برنج	۱۳۱۸/۵/۳۱	۱۰۱۴۰۰ مارک
وزارت دارائی	دو دستگاه ماشین بخار	۱۳۱۸/۵/۲۰	۹۷۸۰ مارک
۰۱۳۱۸/۵/۲۰	دو دستگاه شلتوک خشک کنی	۱۳۱۸/۵/۱۳	---

فهرست سفارش‌های ایران نشان دهنده تغییر در سیاست صنعتی‌سازی و تمایل به توسعه صنایع صادراتی است. در فهرست واردات ایران، از جمله سفارش‌های وارداتی وزارت پیشه و هنر در سال ۱۳۱۸ش. قند و شکر با ۴ میلیون دلار، چای با ۲ میلیون دلار و پارچه با ۶ میلیون دلار، بالاترین رقم واردات است (همان: سند ۱۴۷۱۸، ۲۴۰۰۱۴۷۱۸، ۲۴۱۱ ک ۱۱: ۹).

در حالی که نیازهای مصرفی هنوز برطرف نشده بود، چرا دولت سیاست گسترش صنایع تولید کالاهای مصرفی را ادامه نداد و در برابر، به گسترش صنایعی پرداخت که در خدمت صدور مواد اولیه بودند؟ پاسخ را باید در وابستگی جوامع توسعه نیافته، به جوامع توسعه یافته و همچنین تحمیل وضعیت بازتولید وابسته به بازار جهانی جست و جو کرد. در واقع، تحت شرایط بازتولید وابسته به بازار جهانی است که عوامل و شرایط تولید در اقتصاد جوامع توسعه نیافته در چارچوب مناسبات متقابل بازار جهانی تعیین می‌شوند. بر اساس همین رابطه است که اولویت‌های اقتصادی در جوامع توسعه نیافته، تنها از تحولات و نوسان‌های اقتصادی جوامع سرمایه‌داری متأثر نمی‌شوند، بلکه تحولات و بحران‌های سیاسی نیز در تحولات اقتصادی آنها تأثیر دارند و اقتصاد و سیاست‌های اقتصادی جوامع توسعه نیافته را دچار تحول و بحران می‌کنند. نمونه بارز آن، جنگ جهانی دوم و تأثیر آن بر سیاست‌های صنعتی‌سازی در ایران است.

جنگ جهانی دوم و تأثیر آن بر صنعت ایران

از آغاز جنگ جهانی دوم، یکی از استراتژی‌های جنگی کشورهای درگیر، حمله به کشتی‌های غیر نظامی حامل محموله‌های حیاتی برای طرف مقابل بود (گرنویل، ۱۳۷۷: ۴۵۱). انگلیسی‌ها با تکیه بر ناوگان دریایی نیرومند خود، استراتژی محاصره دریایی آلمان را در پیش گرفتند. هدف از این استراتژی که اجرای آن در آبان ۱۳۱۹ ش. / نوامبر ۱۹۴۰ م. در کابینه این کشور به تصویب رسید، جلوگیری از ورود مواد غذایی و نیز مواد اولیه مورد نیاز در صنایع جنگی به آلمان بود (پیرن، ۱۳۵۷: ۶۲۲). این استراتژی با توجه به قدرت ناوگان دریایی انگلستان، موجب کندی و قطع روابط آلمان با طرف‌های تجاری خود از جمله ایران شد. این مسأله، بدین سبب که در این زمان آلمان بزرگ‌ترین طرف تجاری ایران بود، لطمات سنگینی بر پیکره اقتصادی ایران وارد آورد: هنوز صنایع و کارخانه‌های ایران به لوازم یدکی و

ماشین آلات آلمان برای تعمیر و تجهیز نیاز داشتند. در واقع، صنعتی سازی در کشورهای توسعه نیافته، با هر استراتژی، حتی در صورت رفع مشکلات ناشی از کمبود ارز، در اساس با دشواری خاصی رو به روست: نیاز به واردات ماشین آلات و تکنولوژی، منجر به پدیده‌ای می‌شود که از آن به عنوان "وابستگی صنعتی" یاد می‌کنند. وابستگی صنعتی فرایند وابستگی را در جوامع توسعه نیافته دوچندان می‌کند و قطع جریان واردات ماشین آلات صنعتی و تکنولوژی، در جوامع توسعه نیافته بحران پدید می‌آورد، زیرا کشورهای توسعه نیافته، اگر پیش از اجرای سیاست صنعتی سازی، صرفاً کالاهای مصرفی وارد می‌کردند، با اجرای سیاست صنعتی سازی، با ابعاد گسترده‌تری کالاها و تجهیزات واسطه‌ای و سرمایه‌ای وارد می‌کنند. در این شرایط، وابستگی افزایش می‌یابد، بدین سبب که مشکلات ناشی از قطع ارتباط در این وضعیت، بیشتر از مشکلات ناشی از شرایط قطع واردات کالاهای مصرفی است، و قطع واردات کالاهای مصرفی فقط مصرف را کاهش می‌دهد، اما قطع واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای علاوه بر کاهش مصرف، به رکود و تعطیلی کارخانه‌ها و بروز بحران‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی منجر می‌شود (همتی، ۱۳۶۴: ۴۶). چنانکه در ایران عصر رضا شاه چنین شد.

محاصره دریایی آلمان و پیامدهای آن بر صنایع ایران و روند صنعتی سازی

محاصره دریایی آلمان، پیامدهای ناگواری بر صنایع و روند صنعتی سازی در ایران داشت:
 ۱. قطع جریان واردات لوازم یدکی: لوازم یدکی کارخانه بهشهر، خریداری شده از شرکت اونیون ماتکس در سال ۱۳۱۹ش.^۱ و موتور دیزل و صد عدد بلبرینگ کارخانه قند کرج،

۱. لوازم یدکی این کارخانه را که از شرکت اونیون ماتکس خریداری شده بود، شرکت حمل و نقل باومان با یک کشتی آلمانی به ایران فرستاد، اما به سبب وقوع جنگ به آلمان بازگردانده نشدند و شرکت حمل و نقل کننده کالا در صدد بود این کالا را از راه شوروی و از راه بندر تریست به ایران بفرستد. کارخانه اونیون ماتکس از پرداخت وجه مورد نیاز برای ارسال خودداری می‌کرد، زیرا تعهد خود را برای ارسال کالا انجام شده می‌دانست (بنگرید به آرشیو سازمان اسناد ملی ایران، سند ۴۰۲، ۲۴۰، ۱۳۹۹، ۴۰۲، ۳، ۱، ص ۳۰).

خریداری شده از شرکت چسکامورا وسکا در مهر ۱۳۲۰ ش.^۱ در شرایط ناشی از محاصره دریایی، به ایران ارسال نشد.

۲. قطع جریان واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای مورد نیاز صنایع: کارخانه‌های اختصاصی وزارت پیشه و هنر در شهریور ۱۳۱۹ ش.^۲، کارخانه دخانیات در اسفند ۱۳۱۹ ش.^۳ و کارخانه چرم خسروی تبریز در خرداد ۱۳۲۰ ش. در اثر جنگ دچار مشکل شدند.^۴

۳. افزایش قیمت مواد مصرفی و ماشین آلات وارداتی کارخانه‌ها در شرایط جنگی: کارخانه کبریت‌سازی سعادت زنجان در شهریور ۱۳۱۸ ش. اداره مرکزی کارخانه‌های قند در مهر ۱۳۲۰ ش. و وزارت دارایی در خرید لوازم یدکی دستگاه‌های پنبه پاک‌کنی در خرداد ۱۳۲۰ ش. دچار مشکل شدند.

۴. قطع جریان ورود ماشین آلات کارخانه‌ها: کارخانه برنج پاک‌کنی شرکت سهامی برنج در مهر ۱۳۱۸ ش. (آرشیو سازمان اسناد ملی ایران، سند ۲۴۰۰۱۴۷۱۸-۲۴۰۰۱۱۳: ۱۵)، کارخانه قند مرودشت^۵، کارخانه کنسرو شاهی (قائم شهر) در سال ۱۳۱۹ ش.^۶ ماشین آلات

۱. کالاهای فوق در مرز شوروی و رومانی ماند، زیرا شوروی اجازه ورود نداد (بنگرید به آرشیو سازمان اسناد ملی ایران، سند ۱۹۷۵۲-۲۴۰۰۱۷۰۴ ه ب آ، ص ۱-۱۵ همچنین نگ: آرشیو وزارت امور خارجه (۵۶-۱)-۵۴-۵۲-۱۳۱۹ ش).

۲. این کارخانه برای مصارف خود مقداری رنگ شیمیایی از شرکت بال سوئیس خرید، اما کشتی ایتالیایی حامل مواد، به هندوستان پناهنده شد (بنگرید به آرشیو وزارت امور خارجه (۶۹-۱)-۵۳-۱۳۱۹ ش).

۳. این کارخانه حدود صد تن کاغذ سیگار بندی به کارخانه فنلاندی ترواکسکی سفارش داد و قرار بود این کالاها از طریق روسیه به ایران وارد شود، اما در روسیه برای حمل بار واگن کافی وجود نداشت (بنگرید به سازمان اسناد ملی ایران، سند ۲۴۰۰۰۹۸۴۱-۳۰۱ ص ۱۱۴، ص ۲).

۴. این کارخانه به سبب مشکلات مالی، نتوانست مواد خام و واسطه‌ای مورد نیاز کارخانه از قبیل مواد خام هندوستان و عصاره دباغی را از آرژانتین خریداری کند، (سازمان اسناد ملی ایران سندش شماره ۲۴۰۰۳۷۸۴۶-۴۴۰۲ پ آ، ص ۴).

۵. ماشین آلات مذکور برای افزایش ظرفیت تولید کارخانه قند مرودشت از آلمان خریداری شد، اما متفقین هنگام حمل کالاها به ایران، کشتی آرابیا را در مصب ساحل آفریقا توقیف کردند. (علی زاهد، صنایع ایران پس از جنگ، ص ۱۱۳).

۶. این کارخانه، خریداری شده از کشور دانمارک، قرار بود از طریق شوروی وارد خاک ایران شود، اما به سبب جنگ به ایران نرسید (اداره آرشیو و اسناد وزارت امور خارجه، سند شماره ۰۲-۱-۵۴-۵۲-۱۳۱۹ ش).

مورد نیاز کارخانه‌های ذوب آهن کرج در شهریور ۱۳۲۰ش.^۱ و ماشین آلات سیم نقاله مربوط به ذغال سنگ در معادن شمشک روته، لالون و در معادن هجاجود تا لار^۲ به سبب مشکلات جنگ به ایران نرسید.

بدین ترتیب، جنگ در روند تأسیس، تجهیز و تعمیر صنایع ایران مشکلاتی پدید آورد و در این شرایط، همه کوشش دولت صرف رفع مشکل و برآوردن نیازهای صنایع بود. نخستین اقدام با اعزام هیئتی به شهر برن، برای پیگیری وصول سفارش‌های ایران از کارخانه‌ها و شرکت‌های اروپایی صورت گرفت. هم وزارتخانه‌ها و هم ادارات، موظف شدند فهرست سفارش‌های خود را با درج اطلاعاتی از قبیل مقدار کالای سفارش شده، محل سفارش، اسم کارخانه و عامل در محل سفارش، به صورت مشروح به وزارت جنگ ارسال کنند تا در اختیار هیأت اعزامی به برن قرار گیرد (همان: سند ۱۴۷۱۸/۲۴۰۰، ۴۱۱ ک ۱۳ آ: ۳). این اقدام، علی‌رغم وعده‌های متفقین به ویژه انگلیسی‌ها، برای دادن اجازه ورود کلیه سفارش‌های داده شده به آلمان (اسکراین، ۱۳۶۳: ۳۱)^۳ نتوانست مشکلات و موانع ایجاد شده در جنگ را برطرف کند. بنابراین، دولت در جست و جوی راه حل دیگری برآمد: راه‌های جدید حمل و نقل و طرف‌های جدید برای تعمیر، تجهیز و تأسیس صنایع.

^۱ قرارداد خرید این کارخانه از کمپانی دماک آلمان در سال ۱۳۱۶ش. منعقد شد و قرار بود تا سال ۱۳۲۰ش. در ایران راه‌اندازی شود، اما به سبب جنگ، کار به زمستان ۱۳۲۲ش. موکول شد؛ در حالی که به سبب محاصره دریایی انگلستان، مقرر شده بود ماشین آلات مذکور از طریق روسیه وارد ایران شود، اما حمله آلمان به اتحاد شوروی مانع شد و سرانجام در سال ۱۳۲۳ش. از سوی دولت وقت هیئتی چهار نفره، که در رأس آن مهندس علی زاهدی قرار داشت، مأموریت یافت برخی از ملزومات ماشین آلات و تأسیسات بازمانده از کارخانه را به فروش رساند (سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۹۲۳/۲۴۰۰، ۸۰۳ دب آ: ۱۵).

^۲ قرار بود این ماشین آلات را شرکت فروشتال آلمان و بر اساس قرارداد سال ۱۳۱۵ش. به ایران ارسال کند، که جنگ جهانی اول مانع از تحویل آن شد (علی زاهدی، صنایع ایران بعد از جنگ، تهران، بی نا، ۱۳۴۲، ص ۱۶۰).

^۳ انگلیسی‌ها از ایران خواسته بودند، صورت سفارشات خود از آلمان را در ۵ نسخه به زبان انگلیسی تهیه کنند و به لندن بفرستند تا از سوی این کشور اجازه حمل آن صادر شود. گزارش‌های تهیه شده از کنسول ایران در بندر تریست، به لندن ارسال می شد (بنگرید به آرشیو سازمان اسناد ملی ایران، سند ۱۳۹۳۶/۲۴۰۰، ۴۰۱ ق ۱۳ آ: ۱۰).

نگرانی از قطع روابط با آلمان

از همان روزهای نخست آغاز جنگ، نگرانی از قطع رابطه با آلمان در بین رجال سیاسی ایران وجود داشت، با این همه، تمایل به حفظ ارتباطات اقتصادی و مبادلاتی با آلمان همچنان قوی بود. در ۱۵ شهریور ۱۳۱۹ امیرخسروی وزیر دارایی ایران، به وزیرمختار آلمان در ایران اعلام کرد، در صورت حل مشکلات ناشی از محاصره اقتصادی در زمینه واردات و صادرات، دولت ایران نه تنها به حفظ رابطه بازرگانی خود با آلمان تمایل دارد، بلکه حتی حاضر به توسعه آن نیز هست (الهی، ۱۳۶۱: ۶۹). اظهار تمایل به ادامه رابطه با آلمان در شرایط جنگی و در وضعیتی که محاصره دریایی انگلیسی‌ها کار مبادلات را دشوار می‌کرد، از احتیاج و اجبار ناشی می‌شد: آلمان بهترین خریدار کالاهای ایران به لحاظ قیمت بود و در صورت قطع روابط، فروش کالاهای ایران با مشکل مواجه می‌شد. نمونه بارز احتیاج و اجبار در مخالفت وزارت بازرگانی با پیشنهاد تاجری به نام درودی مبنی بر فروش کرک بز و پشم شتر به کشورهای ارزی (علی‌رغم فواید بیشتر ارز) دیده می‌شود. وزارت بازرگانی در نامه‌ای به نخست‌وزیر، مخالفت خود را چنین بیان داشت: «به طوری که مسبوقند وضعیت فعلی صادرات این دو کالا این است که اگر به کشورهای ارزی صادر شود معادل صدی پنجاه ارز حاصل از فروش آن به صادرکنندگان داده می‌شد که بتوان به وسیله آن کالاهای خارجی را وارد نمایند و اگر به کشورهای پایاپای صادر شود، تمام وجه حاصل از فروش آن باید به صندوق پایاپای ریخته شده و یا آنکه احتیاجات زیادی که به مواد اولیه دارند آن را به بهای بیشتری خریداری نمایند، بنابراین عملاً کالاهای مزبور به کشورهای ارزی کمتر صادر می‌شود و این مسئله اختصاص به موی بز و پشم شتر ندارد، بلکه اغلب کالاهای صادراتی ما فعلاً همین وضعیت را پیدا کرده‌اند و البته ممکن است همین که تغییری در وضعیت فعلی حاصل شده یا اینکه احتیاجات آلمان به صورت دیگر برآورده شود در صدور کالاهائی که فعلاً مهمترین بازار آن کشور نامبرده است، مشکلاتی حاصل شود ... لیکن راه‌حلی که آقای درودی نسبت به پشم شتر و موی بز پیشنهاد نموده‌اند، عملاً قابل اجرا نیست. زیرا مطابق اصول جاریه و مقررات قرارداد بازرگانی ایران و آلمان

نمی‌توان صدور یک یا چند کالا را اختصاصاً به کشور نامبرده ممنوع نمود و اگر صدور کالایی ممنوع یا موکول به شرایط خاص می‌شود، باید نخست به کلیه کشورهای بیگانه یکسان باشد، زیرا در غیر این صورت عنوان تبعیض پیش خواهد آمد» (آرشیو سازمان اسناد ملی ایران، سند ۲۴۰۰۳۷۰۵۸، ۲۴۰۳/۱: ۹).

انعقاد قرارداد با شوروی و پیامدهای آن

در سایه احتیاج و اجبار در حفظ روابط اقتصادی با آلمان و ضرورت حل مشکلات ناشی از محاصره دریایی و قطع راه آبی، راههای مواصلاتی جدیدی گشوده شد: راههای زمینی. برقراری راه ارتباطی زمینی از طریق ترکیه و شوروی امکان داشت و ترکیه فاقد راه زمینی مناسب و خوب بود، اما شرایط شوروی متفاوت به نظر می‌رسید: راههای شوسه، راه آهن و همچنین راه ترانزیت بنادر از جمله امتیازهای شوروی بود (الهی، ۱۳۶۱: ۶۹). بنابراین، برقراری راه مواصلاتی از شوروی در اولویت قرار گرفت، اما به سبب اختلافات اساسی میان شوروی و ایران بر سر راههای ترانزیت، دولت ایران به آلمان پیشنهاد کرد که برای فراهم آوردن تسهیلات ترانزیتی، با هم بر دولت شوروی اعمال فشار کنند. دولت آلمان این پیشنهاد را پذیرفت و سفیر این کشور در مسکو مأموریت یافت در تماس نزدیک با سفیر ایران، از پیشنهادهایی که دولت ایران در نظر داشت به مقامات روسی تسلیم دارد، پشتیبانی کند. به نظر آلمانی‌ها، همکاری میان ایران و شوروی نه تنها به نفع دو کشور، بلکه به نفع آلمان بود و بر روابط اقتصادی میان ایران و آلمان تأثیر داشت (همان: ۷۰)؛ حال آنکه شوروی درصدد بود از اصرار ایران و آلمان، به عنوان اهرم فشار برای دستیابی به مقاصد سیاسی و نظامی خود استفاده کند.^۱ به هر حال، با اعمال فشار آلمان، مذاکرات به انعقاد قرارداد با شوروی منجر شد

۱. از جمله خواسته‌های شوروی در جریان مذاکرات، آزادی همه کمونیست‌های زندانی در ایران و همچنین دریافت حق انحصاری فروش نفت شوروی در مناطق شمالی ایران بود (عبدالرضا هوشنگ مهدوی، روابط خارجی ایران در دوره پهلوی، تهران: نشر پیکان، ۱۳۸۰، ص. ۵۸).

(۱۵ فروردین ۱۳۱۹ ش. / ۲۵ مارس ۱۹۴۰ م.). هدف از این قرارداد ۱۶ ماده‌ای، فراهم آوردن تسهیلات ترانزیتی میان دو کشور بود: از محصولات طبیعی و صنعتی، که مبدأ آن خاک گمرکی یکی از "طرفین متعاهدین" باشد، در موقع ورود به خاک گمرکی طرف متعاهد دیگر، حداقل حقوق گمرکی و دیگر عوارضی که در تعرفه گمرکی و قوانین کشور واردکننده پیش‌بینی شده یا خواهد شد، دریافت شود، اما در هر صورت، میزان حقوق گمرکی و عوارض نامساعدتر غیر از میزانی نخواهد بود که از محصولاتی که مبدأ آن کشور ثالثی باشد، گرفته می‌شود. همچنین مقرر شده بود تا با توجه به منافع بازرگانی ایران و به موافقت ماده ۲۰ عهدنامه ۷ اسفند ۱۲۹۹ ق. / ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ م. منعقد میان ایران و جمهوری سوسیالیستی روسیه و برای تصریح مدلول آن، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، ترانزیت آزاد را از خاک خود، برای محصولات طبیعی و صنعتی ایران به کشور ثالثی بسپرد (مجموعه قوانین و مقررات سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۰۰ شمسی، ۱۶۶۷/۲).

انعقاد این قرارداد، مشکل ترانزیت کالاها از آلمان به ایران را حل می‌کرد، اما در عمل، این کار به سبب دو مشکل به سرانجام نرسید: اول اینکه حکومت شوروی علی‌رغم قرارداد، حاضر نبود با ایران همکاری کند و به بهانه‌های مختلف کارشکنی می‌کرد. نمونه‌ای از کارشکنی شوروی در گزارش سپانلو، از اعضای هیأت اعزامی ایران به تریست، و مأمور وصول و ارسال کالاهای ایران، آمده است: «علاوه بر کالاهایی که از تریست حمل می‌گردید بعداً که قرارداد میان ایران و شوروی امضاء گردید سعی شد کالاهایی که مورد نیاز و فوری باشد و کرایه آن نیز ارزش حمل داشته باشد از راه‌های مختلف از شوروی ارسال شوند؛ برای اجرای این عمل هیئت مزبور نسبت به هر مورد توسط شرکت باربری که عهده‌دار حمل می‌گردد، اظهارنامه‌ای به پیوست صورت مشخص کالا و گواهی نامه مبدأ در سه نسخه برای نمایندگی شوروی در برلین ارسال دارند که پس از رسیدگی پروانه صادر نمایند، در این صورت حمل کالا از شوروی منوط به وصول پروانه عبور بوده و این پروانه را نماینده شوروی در ظرف مدت ده روز و پاره‌ای تا یک ماه بیشتر صادر می‌کرد و پس از حمل دیگر اختیار آن از دست هیأت خارج می‌گردید، زیرا

بعداً معلوم گردید که مقدار کلی کالاهای ارسالی را در باطوم به بهانه نداشتن وسایل و غیره نگهداشته‌اند... در مواقعی که هیأت اقتصادی در بندر مشغول بوده میزان سهمیه‌ای که نماینده شوروی برای حمل از طرق مختلف برای ایران معین کرده بودند خیلی کم بود که روی هم رفته به ۶ هزار تن نمی‌رسید، از این جهت کالاهای ارسالی دولت و تجار از لحاظ ترتیب حمل در خاک شوروی تابع تصمیمات و نظریات مقامات شوروی بود، از طریق شوروی تنها کالاهایی قابل حمل بود که ساخت کشور آلمان باشد، نه از اراضی متصرفی آن، زیرا برای حمل کالاهای ساخت دیگر کشورها نمایندگان شوروی تقاضای ارز به دلار را داشتند» (آرشیو سازمان اسناد ملی ایران، سند ۱۳۹۹۶-۲۴۰۰، ۴۰۱ آ ۳ آ ۱، ۲۳-۱۴). در نتیجه همین بهانه‌ها و کارشکنی‌ها، مواد کارخانه کنسرو شاهی (آرشیو وزارت امور خارجه، سند ۵۴-۵۲-۱۳۱۹ ش)، لوازم یدکی کارخانه قند کرج (آرشیو سازمان اسناد ملی ایران، سند ۱۵-۱۳۱۹ ش) و مواد مصرفی کارخانه دخانیات (همان، سند ۲۴۰۰۹۸۴۱، ۲۴۰۰۱۹۷۵۲، ۷۰۴ آ ۵ ب ۱) و مواد مصرفی کارخانه دخانیات (همان، سند ۲۴۰۰۹۸۴۱، ۳۰۱ - ۱۳۱۹ ش)، که قرار بود با توجه به قرارداد بازرگانی ۱۵ فروردین میان ایران و شوروی از این کشور حمل و به ایران ارسال شود، با مشکل مواجه شد. دومین عامل که از تحقق خواسته‌های ایران در عقد قراردادهای بازرگانی با شوروی برای رفع مشکل ترانزیت کالا با آلمان جلوگیری کرد، حمله آلمان در تیر ماه ۱۳۲۰ / ژوئن ۱۹۶۱ به شوروی بود و در پی آن، امکان ترانزیت کالا از شوروی به کلی از میان رفت و ارتباط مبادلاتی ایران و آلمان به طور کامل قطع شد. از آن پس، ایران به منظور رفع نیازهای اقتصادی خود از جمله نیازهای صنعتی، در پی جایگزینی برای آلمان بود.

نگرانی از قطع ارتباط با آلمان با توجه به نیاز اقتصادی ایران به این کشور، از همان آغاز جنگ در میان رجال سیاسی ایران وجود داشت. در اوایل مهر سال ۱۳۱۸ در جلسه هیئت دولت، وزیر اقتصاد در گزارش خود، پیشنهادهایی در باره کشورهای چوچون ایتالیا، آمریکا و ژاپن، به عنوان جایگزین آلمان و شریک اقتصادی و طرف اول مبادلاتی ایران، مطرح کرد. در این

گزارش تصریح شده بود: دولت ایران نمی‌تواند مطمئن باشد که مبادله کالا میان ایران و آلمان به حدی برسد که در قرارداد اقتصادی یک سال قبل این دو کشور تعیین شده است. همچنین گزارش وزیر در باب امکان حمل قسمت اعظم کالاهای معمولی، که سال گذشته از مسیر دریایی از آلمان حمل می‌شد، از راه ترانزیتی شوروی، با تردید همراه بود و سرانجام اینکه، با توجه به وضع فوق العاده زمان جنگ و ناتوانی در مبادله کالا با آلمان، دولت ایران باید در فکر مبادله با سایر دول باشد (الهی، ۱۳۶۱: ۷۱). چنین پیشنهادی به سبب دو عامل احتیاج و اجبار در ایران برای رابطه اقتصادی و مبادلاتی با آلمان، تا زمان حمله این کشور به شوروی و قطع کامل روابط با آلمان به صورت جدی اجرا نشد، اما کوشش‌هایی صورت گرفت تا کاستی‌های حاصل از کندی روابط ایران و آلمان، در نتیجه محاصره دریایی آلمان، از طریق برقراری روابط تجاری با برخی از کشورهای دیگر برطرف شود.

نتیجه

پس از جنگ جهانی اول، کمابیش زمینه‌های مساعدی برای نوسازی ایران فراهم آمد، اما بیزاری از دو قدرت استعماری روس و انگلیس، که مدت‌ها ایران و ایرانی را اسیر منافع خود کرده بودند، سبب شد تا رضاشاه رو به سوی کشوری آورد که دست کم، نشانه‌های آشکاری از استعمار در گذشته خود نداشت. از این رو، توجه به کارشناسان آلمانی برای صنعتی کردن کشور در برنامه قرار گرفت. صنعتی سازی در کشورهای توسعه نیافته همواره با مشکلاتی همراه بوده است که می‌توان آن را نیاز واردات ماشین آلات و تکنولوژی دانست. وابستگی صنعتی سبب می‌شود تا در صورت قطع روابط دو کشور، واردات و صادرات کالاها و تجهیزات واسطه‌ای و سرمایه‌ای میان آن دو نیز قطع گردد. آثار و عوارض این بحران، افزون بر کاهش مصرف، در رکود و تعطیلی کارخانه‌ها و پدید آمدن بحران‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دیگر ظاهر خواهد شد. نیز دو کشور ایران و آلمان از مشکلات اقتصادی رنج می‌بردند و روابط دو طرف تا

حد چشمگیری از مشکلات می‌کاست، زیرا از یک سو، ایران نیازمند صنعت و کارشناسان بود و از سوی دیگر آلمان نیز، به منابع و مواد اولیه برای گردش چرخ‌های صنعت آن کشور نیاز داشت و انعقاد قراردادهای پایاپای، برای تأمین این قبیل اهداف بود. متخصصان آلمانی در بخش‌های حساس و زیربنایی بسیار فعال بودند، مانند بانک، راه آهن، خطوط هوایی و معدن، اما با آغاز جنگ جهانی دوم و محاصره دریایی آلمان از سوی انگلستان، ورود کالاهای واسطه‌ای و سرمایه به ایران قطع شد. اگرچه صنعت در دوره رضا شاه رشد فزاینده داشت، اما صنایع وارداتی بود و با قطع روابط ایران و آلمان، توسعه صنعتی ایران دچار اختلال گردید، به ویژه که در داخل کشور، کوشش مستمری برای تربیت نیروهای متخصص در بخش‌های مهم و حساس صورت نگرفته بود.

منابع و مآخذ

اسناد:

سازمان اسناد ملی ایران

آرشیو اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه

کتاب‌ها:

- اسکراین، سرکلارمونت (۱۳۶۳)، *جنگ جهانی در ایران*، ترجمه: غلامحسین صالحیار، تهران: سلسله الهی، همایون (۱۳۶۱)، *اهمیت استراتژیکی ایران در جنگ جهانی دوم*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- _____ (۱۳۶۸)، *خلیج فارس و مسائل آن*، تهران: نشر اندیشه.
- پیرن، ژاک (۱۳۵۷)، *جریان‌های بزرگ تاریخ معاصر*، ترجمه: رضا مشایخی، تهران: امیر کبیر.
- دلد، اسکندر (۱۳۷۰)، *زندگی پرماجرایی رضا شاه*، تهران: نشر گلفام.
- ذوقی، ایرج (۱۳۶۸)، *ایران و قدرت‌های بزرگ در جنگ جهانی دوم*، تهران: پاژنگ.
- رازقی، ابراهیم (۱۳۷۱)، *اقتصاد ایران*، تهران: انتشارات نی.
- زاهدی، علی (۱۳۴۲)، *لزوم پروگرام صنعتی، صنایع ایران بعد از جنگ*، تهران: [بی‌نا].
- زرگر، علی اصغر (۱۳۷۳)، *تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره رضا شاه*، ترجمه: کاوه بیات، تهران: انتشارات روبن-معین.
- عاقلی، باقر (۱۳۷۰)، *خاطرات یک نخست وزیر (دکتر احمد متین دفتری)*، تهران: انتشارات علمی.
- فراستی، رضا (۱۳۷۱)، *اسنادی از مدیریت آلمانها در بانک ملی ایران*، *تاریخ معاصر ایران*، تهران: کتاب هفتم.
- فلور، ویلم (۱۳۷۱)، *صنعتی شدن ایران و شورش شیخ احمد مدنی ۱۹۲۵-۱۹۰۰*، ترجمه: ابوالقاسم سری، تهران: توس.
- گرنویل، جان (۱۳۷۷)، *تاریخ جهان در قرن بیستم*، ترجمه: جمشید شیرازی و دیگران، تهران: نشر پژوهش فرزاد روز.
- لطیفی‌نیا، مهشید (۱۳۷۶)، *اسناد معادن ایران ۱۳۲۰-۱۳۰۰*، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- مجموعه قوانین و مقررات سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۰۰ هجری شمسی، ج ۲: ۱۶۶۷.
- محبوبی اردکانی، حسین (۲۵۳۷)، *تاریخ موسسات تمدنی جدید در ایران*، تهران: دانشگاه تهران.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۶۹)، *تاریخ روابط خارجی ایران*، تهران: امیر کبیر.
- همتی، عبدالناصر (۱۳۶۴)، *مشکلات اقتصادی جهان سوم*، تهران: سروش.

نشریات

مجله اطلاق تجارت: ا خرداد ۱۳۱۷ و ۱۵ آبان ۱۳۱۶
روزنامه اطلاعات: سال ۱۳۱۶ شماره‌های ۳۳۴۶ و ۲۸۵۵